

سردستگی در حقوق کیفری ایران

ابوالحسن شاکری*

بهروز قلی‌زاده**

چکیده

سردستگی که با طراحی، تشکیل، سازمان‌دهی یا اداره گروه مجرمانه، موجب تحقق جرم می‌شود، به سبب تسهیل در ارتکاب جرم از حیث رفتار معاونت در جرم است، ولی از طرف دیگر چون باعث می‌شود که سردسته بدون اینکه در انجام جرم مباشرت داشته باشد، بر اساس ماده ۱۳۰ ق.م.ا به حداکثر مجازات شدیدترین جرمی که اعضای آن گروه در راستای اهداف گروه مرتکب شوند، محکوم می‌گردد، لذا عامل مشدده مجازات است. در مواردی که مجازات شخصی بر اساس قوانین خاص به دلیل رهبری یا تشکیل باند، شبکه یا تشکیلات تشدید می‌شود نمی‌توان مجازات وی را مجدداً بر اساس ماده ۱۳۰ ق.م.ا در نظر گرفت. اشخاص حقوقی علی‌رغم داشتن مسئولیت کیفری نمی‌توانند عضو یا سردسته گروه مجرمانه شوند. با لحاظ اینکه حداقل اعضای گروه باید سه نفر باشد، زمان سردستگی گروه، زمان طراحی، تشکیل، سازمان‌دهی یا اداره گروه مجرمانه است نه زمان وقوع جرم که از این جهت در صورت جرم کاهش اعضای گروه به زیر سه نفر تأثیری در مجازات سردسته ندارد.

کلیدواژه‌ها: سردستگی، گروه مجرمانه، معاون، مجازات، عضو.

Shakeri_criminallaw@yahoo.com

* عضو هیأت علمی دانشگاه مازندران (نویسنده مسئول)

Behrouzgh.cl@gmail.com

** دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه مازندران

تاریخ دریافت: ۹۵/۰۲/۰۱ تاریخ پذیرش: ۹۵/۰۷/۲۷

متعاقب جرم و شناسایی مجرم عوامل زیادی هستند که می‌توانند در واکنش اجتماعی علیه مجرم مؤثر باشند، از جمله این عوامل نوع جرم، تعداد افراد دخیل در جرم و نقش مجرم در ارتکاب جرم است. منطقاً واکنش اجتماعی و قانونی باید متناسب با قباحت رفتار مجرمانه و نقش مجرم باشد، یعنی هر چه نقش مجرم در ارتکاب یک جرم مهم‌تر باشد مجازات شدیدتر خواهد بود. بر این اساس یکی از عواملی که قانون‌گذار در قانون مجازات اسلامی با مورد لحاظ قرار دادن آن مجازات مجرم را شدید کرده است سردستگی گروه مجرمانه است. در لغت، سردهسته عبارت از رئیس، قائد و پیشوا است^۱ که ارتکاب جرم را سازمان‌دهی و گروه مجرمانه را اداره می‌کند. تعریف اصطلاحی سردستگی را ابتدائاً باید در قانون جستجو کرد. برای اولین بار در قوانین کیفری ایران راجع به سردستگی در ماده ۳۰ قانون مجازات عمومی ۱۳۵۲^۲ آمده بود، سپس در سال ۱۳۶۱ قانون راجع به مجازات اسلامی تصویب و ماده ۲۳ آن راجع به سردستگی بود. در هیچ‌یک از قوانین مزبور تعریفی از سردستگی و شرایط گروه مجرمانه ارائه نشده و علاوه بر آن در قانون اخیر سقف تشدید مجازات نیز مشخص نشده بود. پس از آن در قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰ مقررات سردستگی زیر ماده ۴۵^۳ با همان ادبیات ماده ۲۳ قانون راجع به مجازات اسلامی تنظیم شد.

در سال ۱۳۹۲ قانون‌گذار در ماده ۱۳۰ قانون مجازات اسلامی در کتاب اول این قانون با اختصاص فصل چهارم تحت عنوان سردستگی گروه مجرمانه سازمان‌یافته، به سردستگی توجه ویژه‌ای نشان داد. در این ماده و تبصره‌های ذیل آن سردستگی و گروه مجرمانه تعریف و میزان مجازات سردهسته نیز مشخص شد. این ماده مقرر می‌دارد: «هرکس سردستگی یک گروه مجرمانه را بر عهده گیرد به حداکثر مجازات شدیدترین جرمی که اعضای آن گروه در راستای اهداف همان گروه مرتکب شوند، محکوم می‌گردد؛ مگر آنکه جرم ارتكابی موجب حد یا قصاص یا دیه باشد که در این صورت به

۱. دهخدا، علی اکبر، لغت‌نامه، دانشگاه تهران، ۱۳۷۳، ج ۸، ص. ۱۱۹۸۰.

۲. ماده ۳۰ قانون مجازات عمومی ۱۳۵۲: «مجازات شخص یا اشخاصی که اداره یا سردستگی دو یا چند نفر را در ارتکاب جرم به عهده داشته باشند، اعم از اینکه عمل آنان شرکت در جرم یا معاونت باشد، حداکثر مجازات آن جرم خواهد بود، مگر اینکه در قانون مجازات خاصی تعیین شده باشد».

۳. ماده ۲۳ قانون راجع به مجازات اسلامی مصوب ۱۳۶۱: «رهبری و سردستگی دو یا چند نفر در ارتکاب جرم اعم از اینکه عمل آنان شرکت در جرم یا معاونت باشد می‌تواند از علل مشده مجازات باشد».

۴. ماده ۴۵ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰: «سردستگی یک یا چند نفر در ارتکاب جرم اعم از اینکه عملاً شرکت یا معاونت در جرم داشته باشد از علل مشده جرم مجازات است».

حداکثر مجازات معاونت در آن جرم محکوم می‌شود...» طبق تبصره یک این ماده: «گروه مجرمانه عبارت است از گروه نسبتاً منسجم متشکل از سه نفر یا بیشتر که برای ارتکاب جرم تشکیل می‌شود یا پس از تشکیل، هدف آن برای ارتکاب جرم منحرف می‌گردد».

سردستگی از نظر جرم‌شناسی مباحث خاص خود را دارد که این مقاله منصرف از آن است. آنچه که بحث راجع به سردستگی در حقوق کیفری را ضروری کرده است سئوالات و ابهاماتی است که در خصوص ماهیت سردستگی و چگونگی مجازات آن وجود دارد به اینکه آیا سردستگی یکی از عوامل مشدده مجازات است یا یک جرم خاص می‌باشد؟ آیا شخص حقوقی می‌تواند عضو یا سردهسته گروه مجرمانه باشد؟ افرادی که تحت عنوان باند، شبکه یا سازمان یافته بودن مجازاتشان بر اساس قوانین خاص تشدید می‌شود آیا به واسطه سردستگی نیز مجازاتشان مجدداً تشدید می‌گردد؟ به منظور پاسخ به سئوالات فوق و تبیین سردستگی و مطالب مرتبط با آن، با استفاده از آموزه‌ها و قواعد فقهی و حقوقی، از آنجا که تحلیل یک موضوع حقوقی (جزایی) مستلزم شناسایی تطبیق آن حداقل با یکی از تأسیسات حقوقی (قانونی) و مقومات تحقق آن و سپس ضمانت اجرا است، لذا مباحث این مقاله ابتدا تحت عنوان «ماهیت حقوقی سردستگی» و سپس «شرایط تحقق سردستگی» و در انتها «مجازات سردستگی» مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است. □

۱. ماهیت حقوقی سردستگی

مباحث مرتبط با سردستگی در رشته مختلف علوم انسانی مورد توجه است، از نظر جامعه‌شناسی و علوم سیاسی با مطالعه گروه‌های سازمان یافته مشخص می‌شود که همه گروه‌ها اعم از گروه‌های کوچک، سازمان‌ها و اجتماعات بزرگ دارای سردهسته با ساختار تقسیم قدرت هستند،^۱ سردهسته در قانون تعریف نشده است. اما سردستگی طبق تبصره ۲ ماده ۱۳۰ ق.م.ا عبارت از تشکیل یا طراحی یا سازمان‌دهی یا اداره گروه مجرمانه است، تشکیل به معنای جمع‌آوری اعضا برای تأسیس و به وجود آوردن گروه مجرمانه، طراحی به معنای ارائه نقشه و برنامه‌ریزی گروهی برای ارتکاب جرم توسط اعضای گروه، سازمان‌دهی در معنای ایجاد روابط کاری اعضا و اداره گروه نیز به منزله مدیریت انجام کار گروهی با هدف خاص یعنی ارتکاب جرم است. اگر هر کدام از اعمال

1. Tyler, T. R., "Leadership and cooperation in groups", American Behavioral Scientist, vol. 45, issue 5, 2002, p. 773.

طراحی، تشکیل، سازمان‌دهی و اداره گروه مجرمانه تحت عنوان سردستگی مورد اشاره قانون‌گذار قرار نمی‌گرفت، تحقیقاً می‌توانست تحت عنوان معاونت در جرم مورد توجه باشد، زیرا معاونت در جرم کمک‌کردن به مجرم در عمل مجرمانه اوست،^۱ هر یک از موارد سردستگی تسهیل در ارتکاب جرم است که طبق بند پ ماده ۱۲۶ ق.م.ا معاونت در جرم محسوب می‌شوند، زیرا سردسته با عمل به هر یک از این موارد دخالت مستقیم یا به اصطلاح مباشرت در ارتکاب جرم ندارد و چون دخالت او غیرمستقیم است، می‌تواند تحت عنوان معاونت مطرح شود به شرطی که جرم مورد نظر واقع گردد. معاونت در حقوق ایران عاریتی است یعنی تا زمانی که جرم اصلی محقق نشود معاون هم مرتکب جرم نشده و مجازات نخواهد شد، مگر در مواردی که معاونت خود جرم مستقلی باشد. سردسته نیز عاریه به وقوع جرم اصلی است یعنی تا زمانی که جرمی اتفاق نیفتاده باشد، سردسته مجازات نخواهد شد. البته باید توجه داشت که نقش سردسته در ارتکاب جرم مؤثرتر از نقش معاون در ارتکاب جرم است، به همین علت قانون‌گذار عمل سردسته را به اندازه عمل مباشر جرم خطرناک فرض کرده و مجازات وی را حداکثر مجازات قانونی جرم انجام گرفته توسط اعضای گروه اعلام کرده است. یکی از شرایط تحقق معاونت در جرم وحدت قصد بین مباشر و معاون است، یعنی معاون نیز همان سوءنیت لازم در مباشر برای تحقق جرم را داشته باشد. از این جهت بین سردسته و اعضای گروه قصد مشترک وجود دارد. با وجود اینکه ممکن است نظر بر این باشد که در جرایم غیرعمدی هم امکان تحقق معاونت در جرم وجود دارد،^۲ لکن باید در نظر داشت در جرایم غیرعمدی قصدی وجود ندارد که بتوان در آن وحدت قصد بین معاون و مباشر را تصور نمود؛^۳ از این جهت باید گفت همان‌طور که معاونت در جرایم غیرعمدی قابل تحقق نیست، سردستگی در جرایم غیرعمدی نیز قابل تصور و تحقیق نیست.

قابل توجه است که نمی‌توان سردسته را با لحاظ ماهیت معاون بودنش هم به مجازات معاونت و هم به مجازات سردستگی در جرایم اعضای گروه مجازات کرد، زیرا صدر ماده ۱۲۷ قانون مجازات اسلامی در خصوص مجازات معاونت بیان کرده است: معاون در صورتی طبق این ماده مجازات می‌شود که در شرع یا قانون مجازات دیگری پیش‌بینی نشده باشد. از آنجا که سردستگی به صورت خاص در ماده ۱۳۰ این قانون

۱. مرعشی، محمدحسن، دیدگاه‌های حقوقی قضایی (تقریرات درسی دوره دکتری جزا مدرسه عالی شهید مطهری)، شماره ۱، ۱۳۷۵، ص. ۵.

۲. نوربها، رضا، زمینه حقوق جزای عمومی، انتشارات گنج دانش، تهران، ۱۳۸۸، ص. ۲۳۸.

۳. یاد، ابراهیم، حقوق کیفری اختصاصی، چاپ سوم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۵۲، ص. ۲۳۳.

پیش‌بینی شده است، مجدداً نمی‌توان سردسته را به جهت معاونت در جرم مورد حکم به مجازات قرار داد. همچنان که ممکن است شخصی با وجود سردستگی گروه مجرمانه خود مباشرت در ارتکاب آن جرم نیز داشته باشد، در این صورت هم نمی‌توان مرتکب را به تحمل هر دو مجازات مباشرت و سردستگی محکوم کرد، بلکه صرفاً به تحمل حداکثر مجازات جرم ارتكابی محکوم می‌گردد، چرا که سردستگی جرم مستقلی نیست تا بین سردستگی و مباشرت تعدد حاصل شود بلکه آن یک عامل مشدده است، از این جهت می‌توان گفت شخصی که به مباشرت در جرمی سردستگی آن جرم را بر عهده داشته است به لحاظ ماهوی یک رفتار انجام داده است و یک مجازات تعیین و اجرا خواهد شد که آن همان مجازات سردستگی خواهد بود زیرا مجازات سردسته حداکثر مجازات آن جرم است که می‌تواند بیشتر از مجازات مباشر آن جرم باشد.

سردستگی علت به حداکثر رسیدن مجازات جرم ارتكابی نیز است که همان تشدید مجازات می‌باشد. علل تشدید مجازات را می‌توان به علل مشدده عمومی (عام) و علل مشدده اختصاصی (خاص) تقسیم کرد. منظور از علل مشدده عمومی عواملی است که به جرم معینی اختصاص ندارد بلکه در همه جرایم ممکن است باعث تشدید مجازات شود. در مقابل، علل مشدده اختصاصی است که در جرایم خاصی موجب تشدید مجازات می‌شوند،^۱ با لحاظ مجازات سردسته که در قانون به حداکثر مجازات شدیدترین جرمی که هر یک از اعضای گروه در راستای اهداف گروه مجرمانه ارتکاب یافته باشند محکوم می‌شود و از آنجا که در تشدید مجازات سردسته به جرم خاص نظر نبوده است می‌توان سردستگی را از علل مشدده عام مجازات دانست. سردسته در حالی به حداکثر مجازات مباشرت در جرم اعضای گروه مجرمانه محکوم می‌شود که معمولاً خود در جرم ارتكابی گروه مجرمانه مباشرت یا شرکت نمی‌کند. قانون‌گذار با پیش‌بینی سردستگی سعی بر ایجاد جرم جدید نداشته بلکه می‌خواسته است مجازات سردسته گروه را با توجه به نقش اساسی و محوری که در ارتکاب جرم ایفا می‌کند، تشدید کند و حداکثر مجازات قانونی آن جرم را صرف نظر از اینکه در جرم انجام گرفته مباشرت یا معاونت داشته باشد بر وی تحمیل کند.

۲. شرایط تحقق سردستگی

یکی از الزامات بدیهی سردستگی، وجود گروه مجرمانه است. سردستگی بدون وجود گروه مجرمانه معنایی نخواهد داشت. از این‌رو ابتدا تشکیل «گروه مجرمانه» و

۱. فتنی، محمدجواد؛ چنگایی، فرشاد؛ رهدارپور، حامد، «تحدید قلمرو جرم محال»، حقوق اسلامی، سال دهم، شماره ۳۷، ۱۳۹۲، ص. ۸۳.

سپس «وقوع جرم توسط اعضای گروه مجرمانه» و در انتها «شرایط سردسته مورد بررسی قرار می‌گیرد».

۲-۱. تشکیل گروه مجرمانه

گروه تعدادی اشخاص هستند که با یکدیگر هماهنگ، تعامل و رابطه معنی‌داری دارند. گروه مجرمانه را باید با ویژگی‌های آن و سپس در مقایسه با مفاهیم مشابه شناخت. یکی از ویژگی‌هایی که ماده ۱۳۰ ق.م.ا در تعریف گروه مجرمانه مورد توجه قرار داده تعداد اعضای گروه مجرمانه است که سه نفر یا بیشتر از آن باشند. اینکه اعضای گروه در چه مرحله‌ای از وقوع جرم حداقل باید سه نفر باشند قابل بحث است. مثلاً ممکن است یک گروه در ابتدا دو عضو داشته باشد ولی در طول وقوع جرم در مواقع نیاز از اشخاص دیگری نیز در راستای اهداف مجرمانه گروه استفاده کند یا ممکن است یک گروه مجرمانه سه نفره در مرحله‌ای از عملیات مجرمانه قبل از تحقق نتیجه جرم تعدادی از اعضای خود را از دست بدهد، مثلاً یکی از اعضای گروه فوت کند یا گروه را ترک کرده باشد به نحوی که اعضای گروه در زمان جرم دو نفر باشند. البته اگر شخص فوت‌شده سردسته گروه باشد، ماده ۱۳۰ مارالذکر موضوعیت خود را از دست خواهد داد و بحث در خصوص منحل بودن یا نبودن گروه بی‌فایده خواهد بود، ملاک سه نفر بودن اعضای گروه، در زمان انجام سردستگی یعنی تشکیل، طراحی، سازمان‌دهی یا اداره گروه مجرمانه است؛ زیرا اعضای گروه در نتیجه اعمال مذکور دست به ارتکاب جرم زده‌اند و جرم حاصل تعامل آنهاست.

اشخاصی می‌توانند عضو گروه مجرمانه شوند که طبق قانون مسئولیت کیفری داشته باشند، یعنی عاقل، بالغ و مختار باشند. عضویت اطفال، مجانین و اشخاص حقوقی محل بحث است. افرادی که مسئولیت کیفری ندارند و عموماً به عنوان وسیله ارتکاب جرم مورد استفاده قرار می‌گیرند مانند مجانین و اطفال غیرممیز نمی‌توانند عضو گروه مجرمانه شوند. مضاف بر اینکه لازمه عضویت در گروه مجرمانه آگاهی و توجه به اهداف گروه و قابلیت ارتکاب جرم، مستقل از سردسته است که در این اشخاص نیست. لذا در این خصوص به شخصی که با جمع کردن مجانین مرتکب جرمی شود نمی‌توان گفت گروه مجرمانه تشکیل داده بلکه صرفاً از مجانین برای ارتکاب جرم استفاده کرده است. سفیه با توجه به اینکه مستقلاً می‌تواند مرتکب جرم شود می‌تواند عضو گروه مجرمانه شود. در خصوص اطفال ممیز باید به ماده ۸۸ ق.م.ا توجه داشت که صرفاً برای اشخاص بالای ۹ تا ۱۵ سال در صورت ارتکاب جرم تعزیری اقدامات تأمینی

پیش‌بینی شده است؛ مفهوم مخالف این ماده آن است که گویا اطفال زیر ۹ سال شمس‌ی اعم از ممیز یا غیرممیز نمی‌توانند مرتکب جرم و عضو گروه مجرمانه شوند، چرا که اساساً مسئولیت کیفری یا حتی اقدامات تأمینی و تربیتی متوقف بر ارتکاب جرم است که این گروه از اطفال با لحاظ سکوت قانون و اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها مشمول قوانین جزایی نمی‌شوند. البته اینکه افراد نابالغ زیر ۹ سال می‌توانند مرتکب جرایم مستلزم حد یا قصاص شوند نظرات مختلفی می‌تواند مطرح شود که بحث در رابطه با آن خارج از موضوع این مقاله است. به اشاره می‌توان گفت از یک نظر تبصره ۲ ماده ۸۸ مورد استناد در این خصوص را باید با متن این ماده جمع کرد که دلالت بر انصراف از اشخاص زیر ۹ سال شمس‌ی دارد. مضافاً اینکه چنانچه حسب این قانون در ماده ۸۸ طفل زیر ۹ سال نمی‌تواند جرم تعزیری انجام دهد به طریق اولی نمی‌تواند مرتکب جرم مستلزم حد و قصاص شود، چرا که این‌گونه جرایم عموماً مشدده جرایم تعزیری هستند. به علاوه عضویت افراد در گروه مجرمانه باید عالمانه و با قصد ارتکاب جرم ناشی از کار گروهی باشد که در خصوص این افراد چون تردید در درک و رشد عقل آنها وجود دارد آنها را باید منطقی‌اً مسئول ارتکاب جرم ندانست که تحقیقاً بر همین اساس از مسئولیت کیفری و اقدامات تأمینی و تربیتی مبری هستند. ولی از طرف دیگر این نظر هم مطرح است که در تبصره ۲ ماده ۸۸ قانون مجازات اسلامی نابالغان زیر ۱۲ سال در صورت ارتکاب جرم موجب حد یا قصاص مشمول اقدامات تأمینی و تربیتی (الف) تا (پ) می‌شوند که می‌تواند ناظر به بالغان زیر ۹ سال شمس‌ی هم گردد، البته مشروط به اینکه این افراد نابالغ ممیز باشند.

در خصوص قابلیت عضویت شخص حقوقی در گروه مجرمانه ابتدا باید گفت که اداره امور شخص حقوقی بر عهده نماینده شخص حقوقی است و وی اعمال شخص حقوقی را انجام می‌دهد. ممکن است گفته شود با توجه به اینکه شخص حقوقی طبق ماده ۱۴۳ ق.م.ا مسئولیت کیفری دارد و می‌تواند مرتکب جرم شود پس می‌تواند عضو گروه مجرمانه شود. ولی این بحث جای تأمل دارد، چرا که در مقابل می‌توان گفت با توجه به اینکه شخصیت اشخاص حقوقی، اعتباری و تبعی است که نشأت‌گرفته از اشخاص حقیقی و اهداف آنها می‌باشد و عضویت در گروه ملازمه با هم‌اندیشی و تعامل با دیگر اعضای گروه دارد که شخص حقوقی فی‌نفسه و ذاتاً فاقد چنین توانایی است، به علاوه با دقت نظر در واژه «نفر» در تبصره یک ماده ۱۳۰ این قانون که بیان داشته است گروه مجرمانه عبارت است از گروه نسبتاً منسجم متشکل از سه نفر یا حتی الفاظ مشابه مثل «شخص» یا «کس»، به دلالت عقلی می‌توان گفت شخص حقوقی که

شخصیت تبعی و اعتباری دارد نمی‌تواند به عنوان یکی از اعضای گروه مجرمانه محسوب شود. در واقع شخص حقیقی است که با عنوان نماینده شخص حقوقی در گروه عضو است هر چند به نام و در راستای منافع شخص حقوقی باشد زیرا تفسیر مضیق قوانین جزایی و شک به نفع متهم باید گفت اصل بر انتساب جرم به شخص حقوقی اعتباری نیست.

بر اساس تبصره ۱ ماده ۱۳۰ ق.م.ا یکی از ویژگی‌های گروه مجرمانه داشتن انسجام نسبی است، این عبارت قانون‌گذار مبهم است. انسجام به معنی روان بودن و روان شدن، منظم شدن و با هم جور شدن است. انسجام در سطح یک گروه به معنی همبستگی اعضا با یکدیگر است، به طوری که متقابلاً نیازمند یکدیگر باشند. رفع نیازمندی‌های متقابل مستلزم تعامل با همدیگر است که ناشی از مسئولیت متقابل بین آنها است که با آگاهی و اراده عضو گروه شده‌اند. از طرف دیگر انسجام به معنای وجود هماهنگی و ساختار نظام‌مند در یک گروه نیز است. از جمله مواردی که منجر به هماهنگی در فعالیت‌ها و روابط بین اعضای گروه می‌شود وجود سردسته است. انگیزه اعضای گروه از تعیین سردسته در بیشتر مواقع حل اختلافات داخلی گروه است که بخشی از مفهوم انسجام می‌باشد. بنابراین برای اینکه یک گروه مجرمانه منسجم دانسته شود باید اعضای گروه با هم در تعامل، هماهنگ و دارای هدف مشترک در ارتکاب جرم باشند.

گروه مجرمانه با مفاهیم مشابهی مثل باند، شبکه، تشکیلات و جرایم سازمان‌یافته قابل قیاس است. یکی از رایج‌ترین اصطلاحاتی که در رابطه با جرایم گروهی استفاده می‌شود عبارت «جرم سازمان‌یافته» است. با توجه به اینکه در جرایم سازمان‌یافته، افراد و سازمان‌های مجرمانه قدرتمندتر و متنوع‌تر عمل می‌کنند و به منظور پیشبرد فعالیت‌های مجرمانه همکاری در این سازمان‌ها شکل نظام‌مندتری به خود می‌گیرد، لذا تعقیب جرایم سازمان‌یافته، به ویژه شکل‌های جدیدتر و پیچیده‌تر آن ضروری است. در تعریف این جرم که به نظر برخی با اهداف مالی^۱ و به نظر برخی دیگر با وسیله ارباب و خشونت و افساد دیگران انجام می‌گیرد،^۲ آمده است: «جرم سازمان‌یافته، اقدام مجرمانه مستمر گروهی است که برای تحصیل سود به ارتکاب فعالیت‌های نامشروع مشغولند و مشتریان فراوانی را در جامعه دارد و برای استمرار این فعالیت‌ها از اعمال خشونت،

۱. میرمحمد صادقی، حسین، حقوق جزای بین‌الملل (مجموعه مقالات)، چاپ دوم، نشر میزان، تهران، ۱۳۸۶، ص. ۱۹۱.

۲. نجفی ابرندآبادی، علی حسین؛ حبیب‌زاده، محمدجعفر؛ شمس نائری، محمدابراهیم، جرم سازمان‌یافته در جرم‌شناسی و حقوق جزا، مجله مدرس، دوره ۴، شماره ۴، ۱۳۷۹، ص. ۶۲.

تهدید و فاسد کردن کارمندان بهره می‌برد.^۱ در این تعریف گروه مجرمانه جزء مقوم قرار گرفته است، چرا که گروه مجرمانه در سازمان‌یافتگی عملیات مجرمانه، نقش تعیین‌کننده دارد. برخی از کنوانسیون‌های بین‌المللی مثل کنوانسیون دسامبر ۲۰۰۰ سازمان ملل متحد برای مبارزه با جرایم سازمان‌یافته فراملی معروف به کنوانسیون پالمو در ماده ۲ از گروه مجرمانه سازمان‌یافته تعریف کرده‌اند به اینکه گروه سازمان‌یافته متشکل از سه نفر یا بیشتر است که برای دوره زمانی مشخص وجود داشته و به طور هماهنگ با هدف ارتکاب یک یا چند جرم یا تخلف شدید مندرج در این کنوانسیون به منظور تحصیل مستقیم یا غیر مستقیم منافع مالی یا سایر منافع مادی فعالیت می‌کند. در تعدادی از قوانین ایران مثل بند د ماده ۷۵۴ قانون مجازات اسلامی (بخش جرایم رایانه‌ای) و ماده ۲۸ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۳ دی ۱۳۹۲ به جرایم سازمان‌یافته اشاره دارند بدون اینکه تعریفی از آن ارائه دهند. فصل چهارم از بخش سوم قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ به جرایم گروهی اختصاص داده شده و تحت عنوان «گروه مجرمانه سازمان‌یافته» نام‌گذاری شده است. قانون‌گذار با استفاده از عبارت «سازمان‌یافته» در عنوان این فصل و متعاقب آن تعریف گروه مجرمانه در تبصره ۱ ماده ۱۳۰ ق.م.ا به دنبال بیان جرم توسط «گروه مجرمانه سازمان‌یافته» است، ولی لزوماً با لحاظ مفهوم سازمان‌یافته به شرح فوق نمی‌توان گفت چون گروه مجرمانه مذکور سازمان‌یافته است، هر جرمی که توسط آن واقع شود جرم سازمان‌یافته خواهد بود.

کلمه دیگری که توسط قانون‌گذار برای بیان فعالیت‌های مجرمانه گروهی استفاده شده است، باند مجرمانه است. طبق ماده واحده قانون تشدید مجازات جاعلین اسکناس و واردکنندگان، توزیع‌کنندگان و مصرف‌کنندگان اسکناس مجعول ۱۳۶۸/۱/۲۹ هرکس اسکناس رایج داخلی را بالمباشره یا به واسطه جعل کند یا با علم به جعلی بودن توزیع یا مصرف نماید، چنانچه عضو باند باشد و یا قصد مبارزه با نظام جمهوری اسلامی ایران را داشته باشد به اعدام محکوم می‌شود. در قوانین کیفری ایران تعریف و ضابطه مشخصی برای تشخیص باند ارائه نشده است. باندها نقش کارآفرینان سازمان‌یافته‌ای را دارند که کالاها و خدمات غیرقانونی خود را به بازار عرضه کرده و از این راه سود هنگفتی کسب می‌کنند^۲ که در واقع مشارکتی هماهنگ برای رسیدن به هدف خاص

1. Bassiouni, Cherif; Vetere, Edvardo, Organized Crime, Transnational Publisher, New York, 1998, p. 38.

۲. مالوری، استیون، شناختی بر جرایم سازمان‌یافته، ترجمه تقی بختیاری و رسول نجار، انتشارات دانشگاه علوم انتظامی امین، ۱۳۹۲، ص. ۱۷۰.

است. اگر این مشارکت حداقل با سه عضو انجام گیرد، باند را باید یک گروه مجرمانه نیز دانست.

اصطلاح دیگری که در قوانین خاص استفاده شده شبکه یا تشکیلات مجرمانه است. ماده ۴ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری، مجازات کسانی را که با تشکیل یا رهبری شبکه چندنفری به امر ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری مبادرت ورزند، مورد تشدید قرار داده است. همین‌طور طبق بند «و» ماده یک قانون مجازات اخلاط‌گران در نظام اقتصادی کشور مصوب ۱۳۶۹ اقدام باندی و تشکیلاتی جهت اخلال در نظام صادراتی کشور به هر صورت از قبیل تقلب در سپردن پیمان ارزی یا تأدیه آن و تقلب در قیمت‌گذاری کالاهای صادراتی به عنوان یکی از معیارهای شکل‌گیری اخلال در نظام اقتصادی است. شبکه در معنای لغوی به چند مؤسسه یا دستگاه وابسته به هم و یا چند نفر گفته می‌شود که در یک رشته کار می‌کنند.^۱ با این لحاظ بین جرایم گروهی مربوط به باند و شبکه مجرمانه که به صورت خاص در قوانین کیفری ذکر شده‌اند و تبصره ۱ ماده ۱۳۰ قانون مجازات اسلامی رابطه عموم و خصوص مطلق برقرار است؛ یعنی همه باندها و شبکه‌های مجرمانه که حداقل دارای سه عضو هستند گروه مجرمانه هم محسوب می‌شوند ولی همه گروه‌های مجرمانه باند یا شبکه مجرمانه محسوب نمی‌شوند، زیرا همه این باندها و شبکه‌های مجرمانه ویژگی‌های گروه مجرمانه را دارند ولی همه گروه‌های مجرمانه ویژگی‌های باندها و شبکه‌های مجرمانه را ندارند.

تحقیقاً تصویب ماده ۱۳۰ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ به عنوان یک قانون عام نمی‌تواند موجب نسخ قوانین فوق‌الذکر مربوط به باند، شبکه و تشکیلات و جرایم سازمان‌یافته باشد که قوانین خاص هستند، چرا که در مباحث حقوقی که عمدتاً برگرفته از مباحث فقهی و اصولی است شناخته شده است در نگاه اول قانون عام لاحق نمی‌تواند قانون خاص سابق را نسخ کند^۲ که بحث در این خصوص از حوصله این مقاله خارج است. ولی مستفاد از نظریه اداره حقوقی به شماره ۷/۹۲/۹۶۴ مورخ ۲۶/۵/۹۲^۳

۱. جر، خلیل، فرهنگ لاروس، ترجمه سیدحمید طبیبیان، ج ۲، چاپ ششم، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۵، ص. ۱۲۴۶.

۲. کاتوزیان، ناصر، مقدمه علم حقوق، چاپ ششم، تهران، اقبال، ۱۳۶۴، ص. ۱۰۷.

۳. نظریه شماره ۷/۹۲/۹۶۴ - ۲۶/۵/۹۲ اداره حقوقی قوه قضاییه: «با توجه به اینکه مقنن در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در مقام ایجاد نظم خاصی برای مجازات «شروع به جرم» است، لذا در تمام مواردی که مشمول ماده ۱۲۲ قانون مذکور است مجازات‌هایی به شرح بندهای ذیل این ماده تعیین نموده است. همچنین با توجه به لزوم یکسان‌سازی نحوه رسیدگی در امور قضایی که دربند ۷ سیاست‌های کلان مقام معظم رهبری مورد تأکید قرار گرفته است و با توجه به ماده ۷۲۸ قانون مزبور در خصوص لغو کلیه مقررات و قوانین مغایر با این قانون، به نظر این اطلاق شامل کلیه قوانین و مقررات خاص و عام در خصوص موضوع سؤال است. زیرا چنانچه

نظر مخالفی هم وجود دارد مبنی بر اینکه عام جدید می‌تواند ناسخ قانون خاص قدیم باشد. در این صورت این نسخ مبتنی بر وضعیت خاصی است یا نظر دیگری هم بر اساس تفسیر به نفع متهم مطرح کرد به اینکه هر قانونی که مجازات آن کمتر باشد باید مورد توجه قاضی قرار گیرد که در این صورت منجر به تبعض در قوانین خواهد شد. قوانین خاص مربوط به جرایم سازمان‌یافته، باند، شبکه و تشکیلات را به دو دسته می‌توان تقسیم کرد: دسته اول قوانین خاص هستند که برای رهبری یا سردستگی یک گروه مجرمانه مجازات تعیین کرده‌اند. در این موارد نمی‌توان مجازات رهبر یا سردسته باند را که مجازاتش بر اساس قانون خاص تشدید یافته است، مجدداً به مجازات سردستگی بر اساس ماده ۱۳۰ ق.م.ا محکوم کرد. در این خصوص می‌توان به تبصره ماده ۲۸ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۲ و ماده ۴ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری اشاره کرد. البته ممکن است گفته شود که صرف عضویت در شبکه مجرمانه مذکور در ماده ۴ فوق‌الذکر باعث می‌شود که مجازات آن شخص بر اساس این ماده تشدید گردد. یعنی تشدید مذکور هم شامل افرادی می‌شود که نقش رهبری و تشکیل شبکه‌ای مجرمانه را داشته‌اند و هم شامل دیگر اعضای شبکه می‌شود که چنین نقشی را نداشته‌اند. تحقیقاً این تفسیر محل تأمل است، چرا که بر خلاف تفسیر مضیق قوانین جزایی و بر خلاف نص ماده ۴ قانون مارالذکر است. در این ماده صراحتاً بیان شده است کسانی که با «تشکیل یا رهبری شبکه چند نفری» مرتکب جرایم کلاهبرداری و ... شوند، بنابراین افراد مذکور حتماً باید تشکیل‌دهنده یا رهبر شبکه مجرمانه باشند تا مشمول ماده ۴ قانون فوق‌الذکر شوند. دسته دوم قوانینی هستند که صرفاً به جهت عضو بودن در باند، تشکیلات و شبکه مجرمانه، مجازات مرتکب تشدید می‌یابد. این‌گونه قوانین اشاره‌ای به سردسته و رهبر شبکه یا باند ندارند. چنانچه شخصی رهبری یا مدیریت این باندها، شبکه‌ها و تشکیلات را داشته باشد، مجازاتش بر اساس ماده ۱۳۰ ق.م.ا تحت عنوان سردستگی نیز تشدید می‌شود. البته این تشدید مجازات مطابق با رأی وحدت رویه هیات عمومی دیوان عالی کشور به شماره ۵۷۱ مورخ ۱۳۷۰/۱۱/۱ نباید موجب تغییر صلاحیت محکمه رسیدگی‌کننده گردد.

← قائل به عدم نسخ موارد خاص مندرج در قوانین جزایی در خصوص تعیین مجازات شروع به جرم باشیم، شاهد تفاوت و شدت و ضعف میزان مجازات و عدم تناسب آن خواهیم بود در نتیجه کلیه مقرراتی که در قانون به طور خاص برای «شروع به جرم» مجازات تعیین شده است با تصویب و لازم‌الاجرا شدن قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ ملغی و مجازات شروع به جرم در تمام جرایم مطابق بندهای ذیل ماده ۱۲۲ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ با رعایت ماده ۱۰ همان قانون تعیین می‌شود.»

یکی دیگر از مواردی که ممکن است با گروه مجرمانه خلط شود، تبانی برای ارتکاب جرم می‌باشد. در این خصوص می‌توان به ماده ۶۱۰ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات در رابطه با تبانی دو یا چند نفر جهت ارتکاب جرایم ضد امنیت داخلی و خارجی و همچنین ماده ۶۱۱ این قانون در خصوص تبانی دو یا چند نفر علیه اعراض یا نفوس یا اموال مردم به همراه تدارک مقدمات اجرایی اشاره کرد. تبانی برای ارتکاب جرم به معنای تشکیل گروه مجرمانه نیست، برای تشکیل گروه مجرمانه شرایط مقرر در تبصره ماده ۱۳۰ ق.م.ا. نیاز است، یعنی اعضای گروه حداقل باید سه نفر و نسبتاً منسجم باشند، در حالی که برای تبانی مذکور در ماده ۶۱۰ و ۶۱۱ قانون مجازات اسلامی وجود دو نفر نیز کفایت می‌کند. از طرف دیگر مجازات سردسته فرع بر وقوع جرم توسط گروه مجرمانه است، در حالی که در تبانی ممکن است هنوز جرمی توسط تبانی‌کنندگان اتفاق نیفتاده باشد. باید توجه داشت که همه گروه‌ها الزاماً دارای سردسته نیستند، برای مثال ممکن است چند نفر برای ارتکاب جرم تبانی کرده باشند و گروه مجرمانه شکل گرفته باشد ولی سردسته نداشته باشد.

در برخی موارد نیز طبق قانون صرف تشکیل گروه یا عضویت در گروه‌های خاص جرم‌انگاری شده است، در این رابطه می‌توان به مواد ۴۹۸ و ۴۹۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ اشاره کرد، در این دو ماده صرف تشکیل اداره یا عضویت در گروهی که هدف آن برهم زدن امنیت کشور باشد مجازات دارد که منصرف از سردستگی است. چنانچه تبانی و گروه مجرمانه مذکور در مواد بالا با گروه مجرمانه مذکور در تبصره ۱ ماده ۱۳۰ ق.م.ا. تداخل و همپوشانی داشته باشند، در صورت ارتکاب جرم اعضای گروه به مجازات‌های مقرر در قانون برای آن جرم محکوم خواهند شد و سردسته به حداکثر مجازات جرم ارتكابی واقع شده محکوم خواهد شد و اگر جرم خاصی اتفاق نیفتاده باشد افراد تبانی‌کننده یا تشکیل‌دهنده گروه (فارغ از اینکه سردسته باشند یا عضو عادی) صرفاً به مجازات تبانی یا تشکیل گروه یا عضویت در گروه (گروه مذکور در ماده ۴۹۸ و ۴۹۹) محکوم می‌شوند.

تشکیل گروه مجرمانه به منظور ارتکاب جرم می‌تواند با شخص حقوقی که مرتکب جرم می‌شود قابل مقایسه باشد، شخص حقوقی ممکن است یک شرکت یا مؤسسه باشد. ماده ۲۲ ق.م.ا. برای شخص حقوقی که با انحراف از هدف مشروع نخستین، فعالیت خود را منحصرأ در جهت ارتکاب جرم تغییر داده باشد یا برای ارتکاب جرم بوجود آمده باشد مجازات انحلال را پیش‌بینی کرده است. البته این ادبیات قانون‌گذار محل تأمل است، چرا که با توجه به قانون تجارت امکان ثبت شخص حقوقی

که موضوع آن مخالف با نظم عمومی یا نامشروع^۱ باشد وجود ندارد. به تحقیق این نقد در صورتی وارد است که تشکیل شخص حقوقی را مستلزم ثبت آن بدانیم. اگر به وجود آوردندگان شخص حقوقی با هدف ارتکاب جرم، شخص حقوقی را به صورتی صوری تشکیل داده و تشریفات قانونی ثبت و تأسیس شرکت را رعایت کرده باشند با گروه مجرمانه که از همان ابتدا برای انجام جرم تشکیل می‌شود حکم واحدی خواهند داشت و هر دو گروه مجرمانه محسوب می‌شوند. این در صورتی است که شخص حقوقی باید حداقل سه نفر عضو داشته باشد. اعمال ماده ۲۲ ق.م.ا نسبت به شخص حقوقی مانع از اعمال ماده ۱۳۰ این قانون نسبت به مدیر شخص حقوقی که نقش سردستگی گروه مجرمانه را انجام دهد، نخواهد بود.

۲-۲. وقوع جرم با دخالت گروه مجرمانه

مسیر تحقق جرم را می‌توان به چهار قسمت تقسیم نمود. ابتدا قصد ارتکاب جرم، سپس تهیه مقدمات ارتکاب جرم، آن گاه شروع به جرم و نهایتاً مرحله اجرای کامل جرم است.^۲ اینکه سردسته در چه مرحله‌ای از جرم باید سردستگی گروه مجرمانه را عهده‌دار باشد جای بحث است. به عبارت دیگر باید بررسی کرد که چگونه یک شخص می‌تواند در عملیات مجرمانه جرمی سردسته گروه باشد ولی در نتیجه همان جرم سردسته نباشد یا بالعکس.

در غالب جرایم مقید از نظر زمانی نتیجه جرم، متصل به عملیات مجرمانه می‌باشد و تفکیک زمانی بین این دو به سختی ممکن است. برای مثال در جرم سرقت که مستند به ماده ۲۶۷ ق.م.ا که عبارت از ربودن مال متعلق به غیر است همزمان با عملیات مجرمانه ربایش، مال شخص دیگری ربوده می‌شود و نتیجه به وقوع می‌پیوندد. اما این فاصله همیشه متصل و نامحسوس نیست، در برخی جرایم مقید که وقوع نتایج خاص نظر قانون‌گذار است، فاصله‌ای بین عملیات مجرمانه و نتیجه حاصله ممکن است زمان زیادی طول بکشد. مثلاً به صراحت ماده ۳ قانون مواد خوراکی آشامیدنی و بهداشتی مصوب ۱۳۴۶ (اصلاحی ۱۳۵۳/۱۲/۱۸) «در صورتی که مصرف مواد خوردنی و آشامیدنی و آرایشی و بهداشتی منجر به فوت مصرف‌کننده گردد، مجازات سازنده یا تهیه‌کننده یا مخلوط‌کننده اعدام است و در سایر موارد مذکور در ماده یک در صورتی

۱. ماده ۵۸۶ قانون تجارت: مؤسسات و تشکیلاتی را که مقاصد آنها مخالف با انتظامات عمومی یا نامشروع است نمی‌توان ثبت کرد.

2. Chawla, Monika, Criminal Attempt and Punishment, New Delhi, Deep and Deep publication, 2006, p. 2.

که منجر به فوت شود مجازات مرتکب سه تا پانزده سال حبس جنایی درجه یک است». همان‌طور که واضح است این جرم مقید به نتیجه فوت هست که ممکن است مدت‌ها بعد از ارتکاب جرم حاصل شود و یا اصلاً این نتیجه حاصل نشود. با فرض اینکه این جرایم توسط گروه مجرمانه مشمول ماده ۱۳۰ ق.م.ا به وقوع بپیوندند ممکن است شخص در زمان ارتکاب جرم یعنی در زمان ارتکاب هر یک از اعمال عرضه یا فروش جنسی به جای جنس دیگر، مخلوط کردن مواد خارجی به جنس به منظور سوءاستفاده یا سایر موارد مذکور در ماده یک همان قانون سردسته گروه مجرمانه باشد، لکن در زمان حاصل شدن هر یک از نتایج که در مواد بعدی ذکر شده‌اند مثل فوت، سردسته گروه نباشد. در این موارد باید زمان اعمال سردستگی یعنی طراحی، تشکیل، سازمان‌دهی یا اداره گروه مجرمانه ملحوظ نظر باشد، چرا که عملیات مجرمانه تحت تأثیر اعمال سردستگی ارتکاب یافته است و در زمان تحقق نتیجه سردسته بودن یا نبودن شخص تأثیری در حصول نتیجه ندارد. چنانچه شخصی بعد از آنکه گروهی را تشکیل داد و یا طراحی یا سازمان‌دهی کرد فوت نماید و سردستگی گروه را شخص دیگری بر عهده بگیرد و یکی از اعضای گروه جرمی را در نتیجه اعمال سردسته قبلی انجام دهد، سردسته جدید نیز به حداکثر مجازات مباشر آن جرم محکوم و مجازات می‌شود، چرا که جرم تحت اداره و مدیریت سردسته جدید واقع شده است.

جز در برخی جرایم خاص مانند تبانی و تهیه مقدمات اولیه مذکور در مواد ۶۱۰ و ۶۱۱ قانون مجازات اسلامی که خود جرایم مستقلی محسوب می‌شوند، مرحله‌ای که پیش از انجام جرم تام جرم‌انگاری شده باشد، شروع به جرم است. شاید این امر به این دلیل باشد که شروع به جرم خطرناک است^۱ و تا حدودی حالت خطرناک مجرم را نمایان می‌سازد.^۲ قانون مجازات اسلامی در ماده ۱۲۲ در رابطه با شروع به جرم بیان می‌دارد: «هر کس قصد ارتکاب جرمی کرده و شروع به اجرای آن نماید، لکن به واسطه عامل خارج از اراده او قصدش معلق بماند...». عبارت «عامل خارج از اراده» هم شامل عوامل خارجی و هم شامل عوامل منتسب به شخص مرتکب است؛ بنابراین می‌توان گفت که ماده ۱۲۲ قانون فوق‌الذکر علاوه بر شروع به جرم، جرم عقیم را نیز در بر می‌گیرد،^۳ زیرا آن قسمت از عوامل خارج از اراده که مربوط به موانع خارجی است،

۱. محسنی، مرتضی، دوره حقوق جزای عمومی (پدیده جنایی)، جلد دوم، چاپ دوم، تهران، کتابخانه گنج دانش، ۱۳۸۲، ص. ۱۶۰.

۲. فلنچر، جورج. پی، مفاهیم بنیادین حقوق کیفری، ترجمه سیدمهدی سیدزاده ثانی، چاپ دوم، تهران، گروه پژوهشی دانشگاه علوم اسلامی رضوی، ۱۳۸۹، ص. ۲۹۸.

۳. رهدارپور، حامد؛ چنگایی، فرشاد، «بررسی شروع به جرم، جرم عقیم و جرم محال در لایحه مجازات اسلامی با نگاهی به سیر قانون‌گذاری»، پژوهشنامه حقوق کیفری، شماره ۳، ۱۳۹۰، ص. ۶۷.

منجر به تحقق شروع به جرم می‌گردد^۱ و آن قسمت از عوامل خارج از اراده که منتسب به شخص مرتکب است منجر به تحقق جرم عقیم می‌گردد.^۲ در ادامه تبصره ماده مزبور در مقام بیان جرم محال مقرر می‌کند «هرگاه رفتار ارتكابی ارتباط مستقیم با ارتكاب جرم داشته، لکن به جهات مادی که مرتکب از آنها بی‌اطلاع بوده، وقوع جرم غیرممکن باشد اقدام انجام شده در حکم شروع به جرم است». در صورتی که حداقل یکی از اعضای گروه مجرمانه مرتکب شروع به جرم، جرم عقیم یا جرم محال منتسب به گروه شود، می‌توان سردسته را بر اساس ماده ۱۳۰ ق.م.ا مجازات کرد. البته باید در نظر داشت که همه شروع به جرم‌ها قابل مجازات نیستند. بر اساس بندهای (الف) تا (پ) ماده ۱۲۲ این قانون جرایمی که مجازاتشان کمتر از درجه ۵ است، شروع به جرمشان مجازات ندارد که به جرایم محال نیز تسری می‌یابد. لذا سردستگی در جرایم با این مجازات‌های تعزیری هم جرم نیست و چون شروع به جرم تعزیرات درجات ۶ و ۷ و ۸ جرم نیست این افراد (سردسته) به عنوان معاون در شروع به جرم این جرایم هم قابل مجازات خواهند بود.

۲-۳. شرایط سردسته

در بیشتر مواقع ارتكاب جرم به پیشنهاد سردسته انجام می‌گیرد.^۳ اشخاصی که ارتكاب جرم را پیشنهاد می‌دهند اغلب خودشان گروه را سازمان‌دهی و اداره می‌کنند، در حالت معمول اشخاصی می‌توانند سردستگی گروه مجرمانه را بر عهده گیرند که نسبت به سایر اعضای گروه به لحاظ توانایی مدیریتی از برتری نسبی برخوردار باشند. موارد سردستگی که در تبصره ۲ ماده ۱۳۰ ق.م.ا (سازمان‌دهی، طراحی، تشکیل و اداره گروه) بیان شده اغلب از اموری هستند که نیاز به تفکر و درک کامل از رفتار دارند. از این رو نمی‌توان گفت صرف اینکه یک شخص بتواند مرتکب جرم شود، می‌تواند سردسته گروه نیز باشد. اشخاصی مانند طفل ممیز یا معتوه هر چند ممکن است عضو گروه مجرمانه باشند، ولی نمی‌توانند سردسته باشند. در رابطه با اشخاص حقوقی نیز باید گفت که هر چند ارتكاب هر یک از اعمال سردستگی یعنی طراحی، سازمان‌دهی، تشکیل و اداره گروه مجرمانه می‌تواند توسط شخص حقوقی انجام گیرند لکن با توجه به شخصیت اعتباری و تبعی شخص حقوقی رفتارهای مذکور منتسب به شخص حقیقی

۱. اردبیلی، محمدعلی، حقوق جزای عمومی، دوجلد، جلد اول، چاپ ششم، تهران، میزان، ۱۳۸۳، ص. ۲۲۴.

۲. صانعی، پرویز، حقوق جزای عمومی، چاپ اول، تهران، طرح نو، ۱۳۸۲، ص. ۳۵۷.

3. Porter, L. E.; Alison, L. J., "Leadership and hierarchies in criminal groups: Scaling degrees of leader behaviour in group robbery", *Legal and Criminological Psychology*, vol. 11, issue 2, 2006, p. 7.

است، از این رو در نهایت شخص حقیقی است که باید سردستگی گروه مجرمانه را بر عهده بگیرد. به علاوه توجه به لفظ «هرکس» در صدر ماده ۱۳۰ این قانون نیز که مختص اشخاص حقیقی است، دلالت بر آن دارد که صرفاً اشخاص حقیقی هستند که می‌توانند سردستگی گروه مجرمانه را بر عهده بگیرند.

هر یک از اعمال مذکور در تبصره دو ماده ۱۳۰ ق.م.ا می‌تواند توسط شخص یا اشخاص مختلف به تنهایی یا با مشارکت هم به وقوع بپیوندد. برای مثال در مواردی ممکن است دو نفر با مشارکت یکدیگر گروهی را طراحی کنند یا با مشارکت یکدیگر گروه را اداره کنند. در این موارد می‌توان هر دو نفر را طبق ماده ۱۳۰ ق.م.ا به مجازات سردستگی محکوم کرد. در برخی گروه‌ها هم ممکن است یک شخص طراحی گروه را اجرا کند، شخص دیگر تشکیل گروه، شخص دیگری سازمان‌دهی و یک شخص دیگر نیز اداره گروه را بر عهده بگیرد و هر چهار نفر عضو یک گروه باشند. در این صورت می‌توان هر چهار نفر را با عنوان سردستگی مورد مجازات قرار داد. تعدد سردسته‌ها ممکن است به شکل دیگری نیز مطرح باشد. برای مثال یک گروه ۱۵ نفری به سه زیر گروه پنج‌نفره که دارای شرایط گروه مجرمانه‌ای مذکور در ماده ۱۳۰ مازالذکر هستند، تقسیم شده و هر زیر گروه نیز دارای یک سردسته باشد. در صورتی که اعضای زیرگروه‌ها مرتکب جرم شوند هر یک از سردسته‌های زیر گروه‌ها را می‌توان طبق ماده ۱۳۰ فوق‌الذکر به مجازات سردستگی محکوم کرد، از این رو سردستگی دقیقاً مترادف با رهبری، فرماندهی و ریاست نیست، چرا که اصولاً یک گروه نمی‌تواند بیش از یک رهبر، فرمانده یا رئیس داشته باشد، اما یک گروه مجرمانه می‌تواند بیش از یک سردسته داشته باشد. همین‌طور با دقت نظر در تعریف گروه مجرمانه که عبارت است از گروه نسبتاً منسجم و متشکل از حداقل سه نفر که برای ارتکاب جرم تشکیل‌یافته یا پس از تشکیل هدف آن برای ارتکاب جرم منحرف می‌شود؛ به این نتیجه می‌رسیم که تعداد سردسته مورد توجه قانون‌گذار نبوده است به طوری که ممکن است هر یک از اعضای گروه سردستگی یکی از اهداف گروه را بر عهده گرفته باشند. البته به لحاظ عرفی باید تناسبی بین تعداد سردسته و تعداد اعضای گروه مجرمانه باشد یعنی به نسبت هر سردسته حداقل دو نفر عضو عادی نیز وجود داشته باشد، بنابراین چنانچه در یک گروه سه نفره هر کدام از آنها تشکیل، طراحی و سازمان‌دهی گروه را انجام داده باشند، نمی‌توان گفت هر سه نفر سردسته گروه مجرمانه هستند. در این صورت می‌توان شخصی که مدیریت گروه را بر عهده دارد سردسته گروه دانست.

۳. مجازات سردستگی

سردسته با انجام طراحی، تشکیل، سازمان‌دهی یا اداره گروه مجرمانه، نقش مهمی در تحقق جرم دارد. قانون‌گذار در تشدید مجازات سردسته به نوع جرمی که

اعضای گروه در راستای اهداف گروه انجام می‌دهند، توجه داشته و بین جرایم مستلزم مجازات‌های تعزیری از یک طرف و جرایم مستوجب حد و قصاص و دیه از طرف دیگر تفکیک قایل شده است. بر اساس ماده ۱۳۰ قانون مجازات اسلامی هرکس سردستگی یک گروه مجرمانه را بر عهده گیرد، به حداکثر مجازات جرمی که اعضای آن گروه در راستای اهداف همان گروه مرتکب می‌شوند، محکوم می‌گردد. این قسمت از ماده حکم سردستگی را در جرایم تعزیری بیان کرده و تفاوتی بین تعزیرات منصوص شرعی و غیرمنصوص شرعی قائل نشده است.

اعضای گروه مجرمانه ممکن است مرتکب جرایم متعدد تعزیری یا چند جرم مستلزم حد و قصاص همراه با چند جرم تعزیری شوند. اگر جرایم انجام گرفته فقط از نوع جرایم تعزیری تا سه جرم باشند، با لحاظ قسمت اول ماده ۱۳۴ قانون مجازات اسلامی در خصوص تعدد جرم و ماده ۱۳۰ این قانون حداکثر مجازات‌های هر یک از جرایم ارتكابی برای سردسته در دادنامه تعیین ولی وی فقط متحمل حداکثر مجازات شدیدترین جرم می‌گردد و اگر جرایم ارتكابی گروه مجرمانه صرفاً جرایم مستلزم حد یا قصاص باشد با لحاظ ماده ۱۳۴ قانون مجازات اسلامی حداکثر مجازات هر یک از معاونت‌های ارتكابی برای سردسته تعیین می‌شود ولی فقط حداکثر مجازات شدیدترین مجازات معاونت در دادنامه به اجرا در می‌آید. در صورتی که تا سه جرم ارتكابی گروه مجرمانه از جرایم مستلزم تعزیر همراه با ارتكاب جرایم مستلزم حد و قصاص باشد، بر اساس مواد فوق‌الذکر سردسته در دادنامه صادره به حداکثر مجازات جرایم تعزیری و حداکثر مجازات معاونت در جرایم مستلزم حد و قصاص محکوم می‌شود و هر کدام که شدیدتر باشد بر وی تحمیل می‌گردد. اگر گروه مجرمانه بیش از سه جرم مرتکب شوند، چون سردسته با انجام سردستگی ماهیتاً مرتکب معاونت به جرایم مختلفی شده است تعدد حاصل می‌شود، طبق ملاک فوق عمل می‌گردد. لذا بین مجازات‌های معاونت‌های صورت گرفته که تماماً تعزیری محسوب می‌شوند با لحاظ ماده ۱۳۴ قانون مارالذکر به اینکه هرگاه جرایم ارتكابی بیش از سه جرم باشد مجازات هر یک را بیش از حداکثر مجازات مقرر قانونی مشروط به اینکه از حداکثر به اضافه نصف آن تجاوز نکند، تعیین می‌نماید و مجازات اشد به اجرا در می‌آید. در هر حال با لحاظ تعزیری بودن انواع مجازات‌ها (حدود، قصاص و تعزیرات) نسبت به سردسته فقط یک مجازات علیه او به اجرا در می‌آید، در حالی که مباشر جرایم حدی متعدد از انواع مختلف باید مجازات هر کدام از مجازات‌های حدی را تحمل کند که در مقایسه با یکدیگر از این جهت که نقش سردسته کمتر از مباشر در ارتكاب جرم نیست محل تأمل است.

در صورتی که سردسته علاوه بر سردستگی، مباشرت در جرمی نیز داشته باشد با توجه به اینکه مباشرت در جرم خاص و سردستگی (اعم از تشکیل، سازمان‌دهی، طراحی یا اداره) ماهیتاً رفتارهای جداگانه و مستقلی محسوب می‌شوند، بین رفتارهای انجام‌گرفته تعدد حاصل می‌شود. با اعمال قواعد تعدد در صورتی که تعداد جرایم انتسابی کمتر از سه جرم باشد تأثیری در میزان مجازات سردسته نخواهد داشت، چرا که در تعدد تا سه جرم مرتکب به حداکثر شدیدترین جرم انجام‌گرفته محکوم می‌شود که همانند مجازات سردستگی است. لکن اگر جرایم انجام‌گرفته بیش از سه جرم باشد، مجازات سردسته علاوه بر حداکثر مجازات شدیدترین جرم بر اساس مقررات تعدد در این ماده تشدید می‌یابد و به حداکثر مجازات شدیدترین جرم به اضافه تا نصف آن مجازات نیز محکوم می‌شود. عوارض شخصی که بر تعیین کیفر اثر می‌گذارند مانند کیفیات مشدده یا مخففه بر کیفر سردسته بی‌اثر است.

گاهی ممکن است جرمی که توسط اعضای گروه اتفاق می‌افتد در قالب معاونت باشد، برای قریب به ذهن شدن سردستگی در معاونت، مثالی در این رابطه ذکر می‌گردد: یکی از اعضای گروهی که برای ترور یک مقام سیاسی تشکیل گردیده شخصی را نسبت به قتل وی تحریک کرده باشد و شخص مذکور که خارج از گروه می‌باشد این مقام را به قتل رسانده باشد، در این حالت جرمی که توسط عضو گروه صورت گرفته معاونت است، در این صورت سردسته نیز به حداکثر مجازات معاونت در جرم انجام‌گرفته محکوم خواهد شد. البته در برخی موارد نیز ممکن است شخصی معاون سردسته باشد. برای مثال شخصی شخص دیگری را برای تشکیل یا طراحی یک گروه مجرمانه ترغیب کند. در این صورت با توجه به اینکه سردستگی خود یک جرم مستقلی نیست بلکه ماهیتاً معاونت در جرم می‌باشد. پس معاونت در سردستگی معاونت در معاونت جرم اصلی است، لذا مجازات معاون سردسته را نباید بر اساس مجازات سردسته تعیین کرد بلکه مجازات معاون معاون هر جرمی هم با استناد به ماده ۱۲۷ قانون مجازات اسلامی تعیین خواهد شد.

بر اساس قسمت دوم ماده ۱۳۰ قانون مجازات اسلامی در جرایم مستلزم حد، قصاص و دیه، سردسته به حداکثر مجازات معاونت در آن جرم محکوم می‌شود. با توجه به قائم به شخص بودن این جرایم و تعریف مشخص شرع از جرایم مستلزم حد و قصاص قانون‌گذار نخواست است مجازات مباشر را بر سردسته که ماهیتاً معاون جرم است، تحمیل کند. البته ذکر دیه در اینجا ناظر به مواردی است که دیه بدل از جنایات عمدی باشد نه جنایات غیرعمدی، چرا که سردستگی در جرایم غیرعمدی قابل تصور نیست.

با لحاظ قانون مجازات اسلامی راجع به محاربه و افساد فی الارض در مواد ۲۷۹ الی ۲۸۵ قسمت آخر ماده ۱۳۰ ق.م.ا که بیان می‌دارد «زمانی که عنوان محارب یا مفسد فی الارض بر سر دسته گروه مجرمانه صدق کند حسب مورد به مجازات محارب یا مفسد فی الارض محکوم می‌شود» زائد به نظر می‌رسد؛ چرا که بدیهی است اگر عنوان محارب یا مفسد فی الارض بر اساس ضوابط مقرر در ماده‌های ۲۷۹ و ۲۸۶ ق.م.ا بر سر دسته صدق کند به مجازات آن محکوم می‌شود و نیازی به ذکر مجدد نیست، مگر اینکه قانون‌گذار نظر داشته باشد که بدون اینکه سر دسته در عملیات مجرمانه محاربه و افساد فی الارض مباشرت کند به سبب نقش مهمش وی را به مجازات محاربه یا مفسد فی الارض محکوم کند که ظاهر عبارت قانون‌گذار این چنین نیست. از آنجا که با مدیریت سر دسته است که جرم محاربه یا افساد فی الارض بوقوع می‌پیوندد، چنانچه نظر قانون‌گذار مطابق با ملاک مجازات سر دستگی که حداکثر مجازات مباشر آن جرم است در خصوص مجازات سر دسته گروه محاربه و افساد فی الارض نیز همان مجازات محارب یا مفسد فی الارض باشد، قسمت آخر ماده باید با عبارت زیر تنظیم و اصلاح شود: «در محاربه و افساد فی الارض زمانی که عنوان محارب یا مفسد فی الارض بر یکی از اعضای گروه صدق کند، سر دسته حسب مورد به مجازات محاربه یا مفسد فی الارض محکوم می‌شود». همچنان که قانون‌گذار در فصل نهم از کتاب دوم قانون مجازات اسلامی تحت عنوان بغی و افساد فی الارض در ماده ۲۸۶ این قانون «معاونت» در برخی جرایم از جمله جرایم علیه امنیت داخلی یا خارجی کشور را با شرایط خاصی مثل گستردگی ارتکاب جرم و اخلال شدید در نظم عمومی کشور مفسد فی الارض محسوب و مجازات وی را اعدام اعلام کرده است، با الغای خصوصیت، دلالت بر پیروی قانون‌گذار از ملاک واحد دارد چرا که سر دستگی در محاربه نیز که ماهیتاً معاونت در جرم است می‌تواند این چنین باشد و نباید در تعارض و مستثنا از آن در نظر گرفته شود، مگر وی مشمول وضعیت خاصی دانسته شود که از عبارات مواد قانون مجازات اسلامی مفهوم نیست.

نتیجه‌گیری

قانون‌گذار در ماده ۱۳۰ ق.م.ا. سردسته را به حداکثر مجازات شدیدترین جرمی که اعضای آن گروه در راستای اهداف همان گروه مرتکب شوند محکوم کرده است مگر آنکه جرم ارتكابی موجب حد یا قصاص یا دیه باشد که در این صورت به حداکثر مجازات معاونت در آن جرم محکوم می‌شود. هر کدام از اعمال طراحی، تشکیل، سازمان‌دهی و اداره گروه مجرمانه اگر تحت عنوان سردستگی مورد اشاره قانون‌گذار قرار نمی‌گرفت، می‌توانست تحت عنوان معاونت در جرم مورد مجازات قرار گیرد. بنابراین ماهیت سردستگی معاونت در جرم است که چون قانون‌گذار به خاطر اهمیت نقش سردسته در ماده ۱۳۰ ق.م.ا. مجازات خاصی را پیش‌بینی کرده است، عامل مشدده مجازات هم می‌باشد. غیر از ماده ۱۳۰ ق.م.ا. در برخی قوانین خاص نیز ارتكاب جرم به صورت گروهی از موارد تشدید مجازات در نظر گرفته شده است. مسلماً تصویب ماده ۱۳۰ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ موجب نسخ مجازات مرتکبان قوانین فوق‌الذکر نشده است. قوانین خاص مربوط به جرایم سازمان‌یافته و باند و تشکیلات به دو دسته تقسیم می‌شوند. قوانینی که برای رهبری یا سردستگی یک گروه مجرمانه مجازات تعیین کرده‌اند. در این موارد نمی‌توان مجازات رهبر یک باند را که مجازاتش بر اساس قانون خاص تشدید یافته است، مجدداً به مجازات سردستگی بر اساس ماده ۱۳۰ ق.م.ا. محکوم کرد. در این خصوص می‌توان به تبصره ماده ۲۸ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۲ و قوانین مشابه دیگر اشاره کرد. دسته دوم قوانینی هستند که صرفاً به جهت عضو بودن در باند، تشکیلات و شبکه مجرمانه مجازات مرتکب تشدید می‌یابد. این گونه قوانین اشاره‌ای به سردسته و رهبر شبکه یا باند ندارند. چنانچه شخصی رهبری یا مدیریت این باندها، شبکه‌ها و تشکیلات را داشته باشد، مجازاتش بر اساس ماده ۱۳۰ ق.م.ا. تحت عنوان سردستگی حداکثر مجازات جرم ارتكابی خواهد بود. افرادی می‌توانند عضو گروه مجرمانه شوند که قابلیت تحمل مسئولیت کیفری را داشته باشند، یعنی عاقل، بالغ و مختار باشند. بر این اساس اشخاص حقوقی نمی‌توانند عضو گروه مجرمانه شوند یا سردستگی گروه مجرمانه را بر عهده گیرند، چرا که شخصیت اشخاص حقوقی، یک شخصیت اعتباری و نشأت‌گرفته از اشخاص حقیقی و اهداف آنها است. با لحاظ اینکه حداقل اعضای گروه باید سه نفر باشد، زمان سردستگی گروه زمان طراحی، تشکیل، سازمان‌دهی یا اداره گروه مجرمانه است نه زمان جرم که از

این جهت در صورت وقوع جرم کاهش اعضای گروه به زیر سه نفر تأثیری در مجازات سردسته ندارد.

پیشنهاد می‌شود با توجه به مواد ۲۷۹ و ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی چون قسمت آخر ماده ۱۳۰ این قانون راجع به جرم محاربه یا افساد فی الارض زائد به نظر می‌رسد، حذف گردد یا اگر به لحاظ سبب مؤثر سردسته در وقوع این جرم، نظر بر مجازات محاربه و افساد فی الارض است با عبارات زیر اصلاح گردد: «اگر عنوان محارب یا مفسد فی الارض بر یکی از اعضای گروه صدق کند، سردسته نیز به مجازات محاربه یا مفسد فی الارض محکوم می‌شود».

منابع

- آخوند خراسانی، محمد کاظم بن حسین، کفایه الاصول، ترجمه جمشید سمیعی، انتشارات خاتم‌الانبیاء، اصفهان، ۱۳۸۶.
- اردبیلی، محمدعلی، حقوق جزای عمومی، دوجلد، جلد اول، چاپ ششم، تهران، میزان، ۱۳۸۳.
- بیرو، آلن، فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه باقر ساروخانی، تهران، انتشارات کیهان، ۱۳۶۶.
- یاد، ابراهیم، حقوق کیفری اختصاصی، چاپ سوم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۵۲.
- جر، خلیل، فرهنگ لاروس، ترجمه سیدحمید طبیبیان، ج ۲، چاپ ششم، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۵.
- حسینی، احمد؛ طریحی، فخرالدین بن محمد، مجمع البحرین، ج ۶، چاپ دوم، نشر مرتضوی، ۱۳۶۵.
- رهدارپور، حامد؛ چنگایی، فرشاد، «بررسی شروع به جرم، جرم عقیم و جرم محال در لایحه مجازات اسلامی با نگاهی به سیر قانون‌گذاری»، پژوهشنامه حقوق کیفری، شماره ۳، ۱۳۹۰.
- صناعی، پرویز، حقوق جزای عمومی، چاپ اول، تهران، طرح نو، ۱۳۸۲.
- عضدانلو، حمید، آشنایی با مفاهیم اساسی جامعه‌شناسی، تهران، نشر نی، ۱۳۸۴.
- فتحی، محمدجواد، «بررسی انتقادی کیفیات مشدده عمومی در قانون مجازات اسلامی»، مجتمع آموزش عالی، شماره ۷ و ۸، پاییز و زمستان ۱۳۷۹، ۱۳۷۹.
- فتحی، محمدجواد؛ چنگایی، فرشاد؛ رهدارپور، حامد، «تحدید قلمرو جرم محال»، حقوق اسلامی، سال دهم، شماره ۳۷، ۱۳۹۲.
- فرهودی‌نیا، حسن، جرایم ناقص (بررسی تطبیقی)، چاپ اول، تبریز، انتشارات فروزش، ۱۳۸۸.
- فلچر، جورج. پی، مفاهیم بنیادین حقوق کیفری، ترجمه سیدمهدی سیدزاده ثانی، چاپ دوم، تهران، گروه پژوهشی دانشگاه علوم اسلامی رضوی، ۱۳۸۹.
- کاتوزیان، ناصر، مقدمه علم حقوق، چاپ ششم، تهران، اقبال، ۱۳۶۴.
- مالوری، استیون، شناختی بر جرایم سازمان‌یافته، ترجمه تقی بختیاری و رسول نجار، انتشارات دانشگاه علوم انتظامی امین، ۱۳۹۲.
- محسنی، مرتضی، دوره حقوق جزای عمومی (پدیده جنایی)، جلد دوم، چاپ دوم، تهران، کتابخانه گنج دانش، ۱۳۸۲.
- مرعشی، محمدحسن، دیدگاه‌های حقوقی قضایی (تقریرات درسی دوره دکتری جزا مدرسه عالی شهید مطهری)، شماره ۱، ۱۳۷۵.
- میرمحمد صادقی، حسین، حقوق جزای بین‌الملل (مجموعه مقالات)، چاپ دوم، نشر میزان، تهران، ۱۳۸۶.
- نجفی، محمدحسن، جواهرالکلام فی شرح شرائع الاسلام، ج ۱۵، چ ۱، بیروت، موسسه المرتضی‌العالمیه، ۱۴۱۲ ق.

- نجفی ابرندآبادی، علی حسین؛ حبیب زاده، محمدجعفر؛ شمس ناتری، محمدابراهیم، جرم سازمان یافته در جرم شناسی و حقوق جزا، مجله مدرس، دوره ۴، شماره ۴، ۱۳۷۹.

- نوربها، رضا، زمینه حقوق جزای عمومی، انتشارات گنج دانش، تهران، ۱۳۸۸.

- Bassiouni, Cherif; Vetere, Edvardo, Organized Crime, Transnational Publisher, New York, 1998.
- Chawla, Monika, Criminal Attempt and Punishment, New Delhi, Deep and Deep publication, 2006.
- Porter, L. E.; Alison, L. J., "Leadership and hierarchies in criminal groups: Scaling degrees of leader behaviour in group robbery", Legal and Criminological Psychology, vol. 11, issue 2, 2006.
- Tyler, T. R., "Leadership and cooperation in groups", American Behavioral Scientist, vol. 45, issue 5, 2002.
- Warr, M., "Organization and instigation in delinquent groups", Criminology, vol. 34, issue 1, 1996.